

بیانیه پیرامون هفتمین انتخابات ریاست جمهوری

«پیام رسای ملت»

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَتَيْتُمُوهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^۱

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسید و از ۳۳ میلیون ایرانی دارای حق رأی، ۲۹ میلیون نفر، یعنی در حدود ۸۸ درصد آنها در انتخابات شرکت کردند و رئیس جدید جمهوری با آرای سنگین ۲۰ میلیون شهروند، یعنی ۶۹ درصد کل رأی‌دهندگان و ۶۰ درصد دارندگان حق رأی انتخاب شد. درصد شرکت‌کنندگان و آرای رئیس جمهوری تا کنون نه تنها در ایران، بلکه در مقایسه با بسیاری کشورهای دیگر کم سابقه بوده است. جا دارد از وزارت محترم کشور و نیز همه کسانی که زمینه برگزاری انتخابات و ثبت و انعکاس آراء واقعی مردم را فراهم ساخته‌اند تشکر و قدردانی به عمل آید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تحولات و تغییرات فراوان در مناسبات سیاسی سبب شد که مردم به تدریج به سمت انفعال سیاسی و بی‌تفاوتی سوق داده شوند. به طوری که گروه‌های زیادی از مردم از شرکت در انتخابات امتناع می‌کردند و به تدریج از درصد شرکت‌کنندگان به طور چشم‌گیری کاسته شد، تا آنجا که در انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته حدود نیمی از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکردند. اما در این انتخابات مردم ما از فرصت فراهم شده استفاده کردند و با برنامه‌کنندگانی که در جهت شکستن انحصار و با شعار آزادی و قانون و جامعه مدنی به میدان آمده بود با شرکت فعال و جهت‌دار، پیام مهم خود را ابلاغ کردند.

در واقع این تنها یک انتخابات نبود بلکه یک همه‌پرسی عمومی و رفراندوم در جهت تحول وضع موجود و تجلی خواست و اراده یک ملت برای یک رفرم اساسی بعد از سالهای انحصار و ایجاد بی‌تفاوتی سیاسی در مردم بود. این صدای اعتراض مردم علیه انحصارطلبی و خودکامگی بود که از درون صندوقهای رأی شنیده شد.

از طرف دیگر بعد از اولین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸، در این انتخابات مجدداً شاهد یک رقابت جدی میان داوطلبان اصلی ریاست جمهوری بودیم، اما با یک تفاوت بزرگ و اساسی. در اولین انتخابات، رقابت میان داوطلبان عمدتاً به صورت شخصی و فردی بود. برنامه‌ها، گرایش‌ها، اولویت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام داوطلبان کم و بیش یکسان و مشابه بود. اما در این انتخابات، رقابت باطنی میان دو داوطلب اصلی نبود، بلکه مبارزه انتخاباتی در مرحله اول و آغازین رقابت میان دو جریان درون حاکمیت بود. جریان معروف به خط راست سنتی، با تمام ویژگی‌های سیاسی، دینی و فرهنگی در یک طرف و طیفی از آراء و عقاید و اولویت‌های سیاسی و اقتصادی در طرف مقابل قرار داشت.

^۱. ما هرچه در روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا امتحانشان کنیم که کدامشان به عمل نیکوترند. (سوره کهف/ آیه ۷).

اما به تدریج مبارزه انتخاباتی از رقابت میان این دو جناح یا جریان فراتر رفت و قشرهای وسیعی از مردم به صحنه مبارزه جذب و جلب شدند و صحنه انتخابات به مبارزه وسیع و گسترده مردم علیه انحصارطلبی، تمامیت‌خواهی، تحجر، سرمایه‌داری تجاری وابسته و حرکتی در جهت تحقق آرمانهای اصیل و نخستین انقلاب، یعنی در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی ملت و حمایت از اندیشه‌های اسلامی نوگرا، تساهل و تکثر سیاسی، قانون‌گرایی و استقرار نظم و امنیت تبدیل گردید.

در این مصاف همگانی، روحانیت حاکم و گروه‌های سیاسی وابسته به خط راست سنتی با تمام قدرت و نیرو به میدان آمدند و از تمام امکانات تبلیغاتی و نیز از مقام و موقعیت دولتی خویش در تأیید کاندیدای مطلوب خود و ایجاد فشار روانی - دینی برای رأی دادن به نامزد اصلح مورد نظرشان، استفاده نموده و از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. حتی جناحی از روحانیت حاکم برای تأمین نظر خود مقررات قانونی ناظر بر نیروهای مسلح را نیز زیر پا گذاشت. اما هرچه بیشتر تبلیغ کردند، واکنش مردم شدیدتر و آشکارتر گردید.

شورای نگهبان قانون اساسی، که علی‌الاصول برای حفظ حرمت خود و رعایت موازین قانونی می‌بایست به صورت ناظر بی‌طرف عمل می‌کرد، همچون موارد مشابه گذشته از چارچوب ضوابط قانونی پا فراتر گذاشته و به اعمال سلیقه سیاسی پرداخت و این در حالی بود که تنی چند از اعضای شورای نگهبان خود عضو فعال جامعه روحانیت مبارز و گروه‌هایی بودند که کاندیدای معینی را معرفی و حمایت می‌کردند.

علاوه بر این، شورای نگهبان، بدون ارائه هیچ‌گونه توضیحی به مردم، فقط صلاحیت چهار نفر از ۲۳۸ نفر داوطلب را مورد تأیید قرار داد. از سوی دیگر، شورای یاد شده، برای اعمال نظر خود از رویه گذشته شورا در مورد اعلام اسامی کاندیداهای تصویب شده به ترتیب الفبایی عدول کرد و نام آنها را به ترتیب تعداد آرای که در شورا به دست آورده بودند اعلام نمود تا فرد اصلح مورد نظرشان در صدر فهرست قرار گیرد. احتمالاً اعضای شورا استدلال کاندیدای مورد نظرشان را در نحوه تصمیم‌گیری مردم به هنگام رأی دادن به نامزدهای نمایندگی مجلس قبول کرده بودند و فکر کردند که اگر نام وی در بالای فهرست قرار گیرد، آرای بیشتری به دست خواهد آورد!!

همزمان با این تلاشها، تبلیغات گسترده و پرهزینه‌ای برای معرفی نامزدها آغاز شد. در کشوری که به موجب آمار رسمی دولتی، خط فقر برای یک خانواده ۵ نفری شهری در حدود پنجاه هزار تومان درآمد ماهانه است و بخش عظیمی از مردم زیر خط فقر قرار دارند، تنها برای تبلیغات انتخاباتی یکی از کاندیداها که چهره‌اش برای اکثریت مردم شناخته شده بود و نیازی به نشان دادن آن از طریق پوستر وجود نداشت، میلیاردها تومان اعتبار اختصاص داده شده بود. آیا بهتر و مؤثرتر نبود که چنین مبالغه‌های صرف کمک به زلزله‌زدگان اخیر یا ساختن مدرسه و یا خرید کتاب و دفترچه برای کودکان و جوانان تهیدست و دهها برنامه ضروری‌تر دیگر می‌شد؟

ضمناً در جریان انتخابات و در رابطه با آن، دو حادثه جامعه را تکان داد. حادثه اول دیدارهای مکرر و محرمانه وابستگان به خط راست سنتی با مقامات رسمی دولت انگلستان و انتشار مذاکرات یکی از این دیدارها بود. با توجه به ذهنیت تاریخی مردم ایران نسبت به رابطه یک قشر خاص با سیاستمداران انگلیسی، این مذاکرات و قول و قرارها، ناگهان بسیاری از مردم و نیروهای سیاسی را به شدت برآشفته و نگران ساخت.

اما حادثه یا خبر دوم که سروصدای کمتری به پا کرد، اما به همان اندازه مهم و غیرقابل چشم‌پوشی تلقی شد، پیشنهاد علنی و رسمی عمده‌ترین حزب سیاسی حاکم مبنی بر تغییر نام «جمهوری اسلامی» به «حکومت

عدل اسلامی» بود.^۱ از همان روزهای آغازین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۵، برخی از نیروهای فعال درون انقلاب و وابسته به همین جریان خط راست و روحانیت سنتی به شدت با انتخابات، دموکراسی و قانون اساسی مخالف بودند و با صراحت و صداقت اظهار می‌کردند که خواستار «حکومت اسلامی» هستند، یعنی حکومتی که در آن رهبر فقید انقلاب، امیرالمومنین بوده و به روال حکومت‌های اسلامی گذشته، کشور را به هر ترتیبی که مصلحت بداند، اداره کند. پیشنهاد تغییر نام جمهوری اسلامی به «حکومت عدل اسلامی» در واقع حذف رکن جمهوریت از نظام جمهوری اسلامی بود. همین گروه در راستای توجیه برنامه سیاسی خود به شدت و به طور بی‌سابقه‌ای به تبلیغ قدرت مطلقه مقام رهبری پرداخت.

این حوادث ناگهان وجدان سیاسی بیدار و هوشیار جامعه ما را به شدت تحریک کرد. مردمی که از فشارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بی‌نظمی و بی‌قانونی و فقدان امنیت اجتماعی، سیاسی، قضایی و شغلی و... ناشی از عملکرد نیروهای انحصارطلب یاد شده خسته، رنجور، نگران، ناراحت و ناراضی بودند و تمامی راههای اعتراض آرام و مسالمت‌آمیز، از طریق نشریات مستقل و آزاد، احزاب سیاسی مخالف حاکمیت، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را بسته می‌دیدند، از تنها ابزار قانونی و قابل دستیابی که پیش پای آنها قرار داشت استفاده کردند و با تمام نیرو برای شکست دادن اندیشه‌های تنگ‌نظرانه و واپس‌گرایانه و اعتراض به سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم قدم به پیش گذاشتند.

مشارکت گسترده مردم در انتخابات نشان داد که اکثریت قاطع مردم به آرمانهای اولیه و اصیل انقلاب اسلامی یعنی آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی همچنان معتقد و وفادارند و نیز به قانون اساسی، با وجود تغییراتی که در سال ۱۳۶۸ به زیان حاکمیت مردم و نهادهای برخاسته از آراء مستقیم مردم در آن صورت گرفته است، ملتزم هستند. از همین رو به جای دست زدن به اقداماتی که موجب بر هم خوردن اوضاع و آشفتگی شود، با ابراز هوش و درایت سیاسی از امکانات قابل دسترسی استفاده کرده، با یک تصمیم سیاسی رأی اعتراض خود را اعلام کردند. این انتخابات هم چنین نشان داد، که به رغم عملکرد روحانیت سنتی و پدید آمدن اختلال در مناسبات تاریخی و سنتی این طبقه با مردم، آنچه برای مردم مهم است نه کسوت و شأن اشخاص، بلکه منش، روش، دیدگاهها و برنامه‌های اساسی و بنیادی می‌باشد. مشارکت مردم هم چنین رأیی منفی بود به آن دسته از گروهها و شخصیت‌های سیاسی که مردم را به عدم شرکت، انزوا و قهر با سرنوشت خود دعوت می‌کردند. مردم به گونه‌ای خودجوش سیاست مبارزه مسالمت‌آمیز قانونی برای تغییر تدریجی اوضاع و مشارکت در تعیین سرنوشت و استفاده بهینه از شرایط موجود را انتخاب کردند و به سیاست انزوا و انتظار پیدایش شرایط مطلوب و وضعیت ناکجاآباد رأی منفی دادند. به عبارت دیگر مردم راه‌حل‌های واقع‌بینانه مناسب با شرایط عینی جامعه را، با وجود آن که از آرمانها و ایده‌آلهایشان فاصله داشته است، انتخاب کردند. در این انتخابات مردم بار دیگر، همچون دوران انقلاب تأثیر شگرف حضور و مشارکت خود را در صحنه سیاسی کشور به آزمون گذاردند و به روشنی نتایج آن را مشاهده کردند. در این همایش ملی، جوانان بخصوص نسل متولد شده بعد از انقلاب و زنان نقش عمده‌ای ایفا کردند. این تجربه موفق برای این جوانان بسیار آموزنده و ارزنده است. این حضور فعالانه مردم معادلات و محاسبات سیاسی نیروهای درون حاکمیت را بر هم زده است و موجب تغییر آرایش نیروهای سیاسی گردیده است. خطای اساسی در این خواهد

^۱ هفته‌نامه شما ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی، شماره ۷ (۷۶/۱/۲۱)

بود که مشارکت گسترده مردم در انتخابات و آراء سنگین رئیس جمهور منتخب صرفاً به عنوان لیبیک به این یا آن مقام و یا پیروزی یک داوطلب ریاست جمهوری تعبیر و تفسیر و یا تبلیغ شود.

نهضت آزادی ایران این رشد و بلوغ و بینش سیاسی و حرکت به موقع و سنجیده مردم را که تحت تأثیر تبلیغات وسیع و گسترده یکسویه قرار نگرفتند، به ملت ایران تبریک می‌گوید و امیدوار است برای تحقق خواسته‌های قانونی و مشروع خود به پایداری و استقامت و حضور در صحنه ادامه دهند. ایجاد نهادهای مدنی و اجتماعی و بسط فرهنگ همکاری‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه احزاب سیاسی، ملزم کردن خود و دولت به احترام و رعایت قانون، همه به کار و نظارت مستمر و هوشیارانه مردم نیاز دارد. مردم تصور نکنند که با شرکت در انتخابات و دادن رأی به کاندیدای مورد نظرشان، مسئولیت آنان پایان یافته است.

نهضت آزادی ایران امیدوار است حاکمیت انحصارگر و تمامیت‌خواه صدای رسای ملت را که حجت الهی بر حاکمیت است به درستی شنیده باشد، دست از لجاجت و عناد با حقوق ملت و تحقیر مردم بردارد. مردم را محجور و نیازمند قیم نداند. این انتخابات را یک همه‌پرسی و نتیجه آن را پاسخ ملت به سیاست‌ها و عملکردهای گذشته خود تلقی نماید و با عبرت‌گیری از تاریخ به جبران گذشته پردازد. حال که با همت مردم، راه برای آشتی و وفاق ملی باز شده است، شایسته است که با حسن استفاده از شرایط پدید آمده و با تمکین همه جانبه از قانون اساسی، نظم و امنیت واقعی به جامعه بازگردانده شود و گامهای نخستین برای توسعه سیاسی و در پی آن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برداشته شود.

اگر امروز صدای اعتراض مردم در برابر انحصارطلبی و خودکامگی از داخل صندوق‌های رأی شنیده نشود، مردم ناگزیر خواهند شد که برای رساندن پیام خود به گوش مسئولان و اولیای امور تا پشت دیوار خانه‌ها و کاخ‌های آنان پیش بروند و در آن زمان مسئولان صدای اعتراض مردم را در حالی خواهند شنید که بسیار دیر شده است.

در پایان نهضت آزادی ایران این موفقیت بزرگ را به جناب آقای خاتمی تبریک می‌گوید. ایشان با پذیرش این مسئولیت سنگین اکنون عمیقاً و ام‌دار مردم و نه گروه و مقامی خاص، شده‌اند. ما به رئیس جمهور منتخب مردم مشفقانه توصیه می‌کنیم که به اعتماد مردم وفادار بمانند. با حسن استفاده از رأی قاطع مردم برنامه‌های وفاق ملی و توسعه سیاسی را پیش ببرند و به طور خلاصه اماناتی را که به ایشان سپرده شده است به صاحبانش بازگردانند. اگر پذیرفته‌اند که توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی امکان‌پذیر نیست و اگر حل بحرانهای فرهنگی، اجتماعی، فکری و عقیدتی را بدون حل بحران سیاسی غیرقابل تصور می‌دانند، باید تمامی موانع حضور فعالانه همه افراد و نیروها و احزاب سیاسی وفادار به نظام جمهوری اسلامی و متعهد و ملتزم به قانون اساسی را از سر راه بردارند، تا راه برای مشارکت همگان در ساختن ایرانی آزاد و آباد و مستقل فراهم گردد.

نهضت آزادی ایران از اجرای چنین سیاستی استقبال می‌کند و در راستای پاسخگویی به پیام رسای ملت و خدمت به ایران و اسلام موفقیت رئیس جمهور منتخب را از خداوند متعال آرزو می‌نماید.

نهضت آزادی ایران

۷۶/۰۳/۰۷